

شیوه تدریس مکتب خانه ها در قدیم

۱۷ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۰

در تهران قدیم، پیش از تاسیس مدارس به شیوه جدید، دانش آموزان از شش تا ۱۸ سالگی باید در مکان هایی به نام مکتب خانه، خواندن و نوشتن را فرا می گرفتند.

در تهران قدیم، پیش از تاسیس مدارس به شیوه جدید، دانش آموزان از شش تا ۱۸ سالگی باید در مکان هایی به نام مکتب خانه، خواندن و نوشتن را فرا می گرفتند. اما به دلیل استفاده از روش های سختگیرانه و مستبدانه ای که در این مکتب خانه ها اجرا می شد، بیشتر محصلین از رفتن به مکتب رفتن سر باز می زدند تا جایی که در آغاز مشروطیت تنها سه درصد از کل جمعیت کشور باسواد بودند و مابقی نمی توانستند بخوانند و بنویسند.



ماهیت مکتب خانه

در آن روزگار دو نوع مکتب خانه وجود داشت، یکی به صورت خصوصی که در منازل اعیان، اشراف و رجال برای فرزندانشان بود و نوع دیگر مکتب خانه های عمومی بودند که تمام طبقات و خانواده ها فرزندانشان را راهی آنجا می کردند. شهریه مکتب خانه های

عیانی، ۱۰ اقران (۱۰ ریال) و مکتب خانه های معمولی بین پنج تا ۱۰ اقران بود. مکتب خانه، از اتاق هایی در کوچه، گذر، بالاخانه های مشرف به کوچه و اتاق های جلو هشتی خانه ها به صورتی که مزاحم اهل خانه نباشد تشکیل می شد.

البته گاهی هم بعضی از مکتب خانه ها، اتاق یا سردابی برای تنبیه و مجازات شاگردان بازیگوش و درس نخوان داشتند که به آن محل سیاه چال می گفتند که مدت کمی شاگردان را در آنجا نگه می داشتند. این مکتب خانه ها توسط ملا یا ملامباجی های زن شناخته شده محلات اداره می شد که هیچ کدام از آنها نباید سوءسابقه داشته باشند. ملاها با عمامه، عبا و ردا و ملا باجی زن نیز با چادر و چارقد، با ترشروی با شاگردان برخورد می کردند.

معمولا ملا و ملامباجی ها زن و شوهر بودند که شوهر دکان و زن مکتب خانه را می گرداند یا برعکس. صورت ظاهری مکتب خانه عبارت بود از یک دست نمد، فرش، حصیر یا گلیمی مندرس، میز پایه کوتاه، تشکچه مکتب دار و دانش آموزان زیراندازهایی مثل قالیچه پادری، تکه قالی، گلیم که هرکسی بر حسب وسع مالی خانواده اش به همراه خود می آورد. همچنین چندین ترکه از درختان آلبالو و انار که کنار میز قرار داشت و چوب فلکی نیز در کنار اتاق.

تنبیه شاگردان

به دلیل سختگیری ها و روش های دیکتاتوری ای که مکتب دارها به کار می گرفتند، شاگردان هم، دست به اقدامات شیطنت آمیزی می زدند یا اینکه از خواندن درس سر باز می زدند. مکتب دارها برای اطفالی که نیاز به تنبیه داشتند ابتدا از ترکه استفاده می کردند. ترکه کوتاهی بود برای شاگردانی که پای میز کوتاه معلم می نشستند و در دسترس بودند و دیگری چوب ترکه بلندی بود که برای کسانی که دورتر نشسته بودند، از دیگر انواع تنبیه برای شاگردان، ریگ گذاشتن زیر لاله گوش و مداد میان انگشتان گذاشتن بود.

اما بدترین تنبیهی که برای شاگردان اجرا می شد، چوب فلک بود که هنوز در اذهان تهرانیان قدیم به جا مانده است. چوب فلک، چوبی به قطر دسته بیل به طول یک متر و نیم بود که در دو قطعه میان آن با سی، چهل سانت فاصله دو سوراخ ایجاد کرده بودند. طنابی به طول یک متر از سوراخ ها گذرانده و سر آن را گره می زدند. طرز کار به این گونه بود که مقصر را می خواباندند و پاهایشان را از طناب رد کرده و دو نفر نیز دو سوی چوب را گرفته و آن را محکم می پیچاندند تا پاها از طناب خارج نشود و یک نفر هم مامور چوب زدن به کف پاها می شد که متاسفانه ترکه و چوب فلک تا سال ها پس از به وجود آمدن مدارس نیز ادامه داشت.

زجر و آزار مکتب دار نسبت به شاگردان به اندازه ای بود که مرخص کردن آنها از چنگ مکتب داران ثواب بزرگی به شمار می آمد که دردها را شفا می داد و حاجت ها روا می ساخت، مثلا اگر زنی در حال وضع حمل بود و کار به سختی می کشید، فوراً اطرافیان زانو، پولی به یکی از مکتب داران می دادند که مکتب را تعطیل و شاگردان را مرخص کند تا به خوشی این آزادشدگان، خداوند به مریض آنها رحم کرده و زانو زودتر از شکنجه زایمان رهایی پیدا کند.

دروسی که آموزش داده می شد

دروسی که در مکتب خانه ها تدریس می شد عبارت بود از خواندن و نوشتن حروف الفبا و در سال دوم به آنها عم جزو (جزوه ای از سوره های کوچک قرآن) آموزش داده و در سال های بعد قرآن، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، جامع عباسی، ابواب الجناس و... تدریس می شد.

همچنین معلم مکتب خانه مکلف بود تا شاگردان خود را به معارف دینی و مذهبی آشنا کند. در قبال آموزش هایی که ملا و ملاباجی ها به فرزندان مردم می دادند، از شاگردان این انتظار را داشتند تا فرمان های آنها را اجرا کنند. مانند جارو کردن دکان، اتاق مکتب خانه و حیاط، پر کردن کوزه یا تغار آب خوری، بادبزن به دست گرفتن بالای سر ملا یا ملاباجی در تابستان، منقل آتش به پا کردن در زمستان، چای و قلیان درست کردن، خرید نان، سبزی و مایحتاج، نگهداری از کودکان خردسال ملاباجی و... همچنین در هر عید و عزا برایشان قند و تنباکو و به هر مناسبت غذای پخته از خانه برای ملا و ملاباجی ها می آوردند.

با اینکه گفته می شد مکتب داران به مال مردم چشم طمع داشتند اما در نزد عوام از احترام خاصی برخوردار بودند و آنها را مثل فرشته رحمتی می دیدند که فرزندانشان را از گمراهی و ضلالت نجات می دهند. به عنوان مثال در عوض آموزش نابینایان یا کودکان ها پولی دریافت نمی کردند ولی در قبال آن خانواده ها برای آنها پیشکش و فرستادنی های زیادی می آوردند.

شغل دوم ملا و ملاباجی ها

ملاها و ملاباجی ها علاوه بر آنکه در مکتب ها، آموزش می دادند، در مجالس خانوادگی به قرائت قرآن، مولودی، سفره حضرت عباس، زینب، رقیه و... می پرداختند. همچنین به خواندن و نوشتن کاغذهایی که مردم بی سواد برایشان می آوردند خود را مشغول می کردند. ساعت معلوم کردن، استخاره کردن، اذان به گوش بچه گفتن، اسم گذاشتن، دعای فرج پای زانو خواندن، هفت و چله خانگی برگزار کردن، همگی به پای ملا و ملاباجی ها بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۵۸۰/قدیم-خانه-مکتب-تدریس-شیوه/>